

کلیاتی در تروریسم و ضد تروریسم

دکتر نیما رضایی - دکتر یوسف نیلوفری

www.ketab.ir

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۴۰۰

آدرس سایت: <http://nashrda.ir>

نوت چاپ اول ۱۳۹۸

ISBN: 978-622-6035-50-7

فهرست

مقدمه.....	۱۳
------------	----

فصل اول

معرفت شناسی مطالعات تروریسم.....	۲۷
۱-۱) چکیده.....	۲۷
۲-۱) معرفت شناسی چیست.....	۲۷
۳-۱) اثبات گرایی (پوزیتیویسم).....	۳۵
۴-۱) فرائیبات گرایی (یست پوزیتیویسم).....	۳۷
۵-۱) نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت).....	۳۹
۶-۱) مبانی معرفت شناسی مطالعات تروریسم.....	۴۱
۱-۶-۱) مطالعات تروریسم چیست؟.....	۴۲
۲-۶-۱) جریان اصلی در مطالعات تروریسم.....	۴۳
۳-۶-۱) جریان انتقادی در مطالعات تروریسم (CTS).....	۴۹
۴-۶-۱) الزامات معرفت شناختی مطالعات انتقادی تروریسم (CTS).....	۶۰
۵-۶-۱) الزامات هستی شناختی مطالعات انتقادی تروریسم (CTS).....	۶۳
۶-۶-۱) الزامات روش شناختی مطالعات انتقادی تروریسم (CTS).....	۶۵
۷-۶-۱) الزامات اخلاقی - هنجاری مطالعات انتقادی تروریسم (CTS).....	۶۶
۸-۶-۱) انتقادات وارده بر مطالعات انتقادی تروریسم (CTS).....	۶۸
۹-۶-۱) چرایی و چگونگی در مطالعات تروریسم (TS).....	۷۲

فصل دوم

تعاریف، علل ریشه‌ای و اهداف تروریسم.....	۷۵
۱-۲) چکیده.....	۷۵
۲-۲) تعاریف تروریسم.....	۷۵

۸۰		۱-۲-۲) تعریف اول: واتسون
۸۱		۲-۲-۲) تعریف دوم: ولف
۸۱		۳-۲-۲) تعریف سوم: لاکوثر
۸۱		۴-۲-۲) تعریف چهارم: اشمید
۸۲		۵-۲-۲) تعریف پنجم: اسملسر و میچل
۸۲		۶-۲-۲) تعریف ششم: جکسن
۸۳		۷-۲-۲) تعریف هفتم: نیومن
۸۳		۸-۲-۲) تعریف هشتم: ادی کات
۸۴		۹-۲-۲) تعریف نهم: ناکوس
۸۴		۱۰-۲-۲) تعریف دهم: انگلیش
۸۴		۱۱-۲-۲) تعریف یازدهم: لین
۸۴		۱۲-۲-۲) تعریف دوازدهم: کارد
۸۵		۱۳-۲-۲) تعریف سیزدهم: کاک هان
۸۵		۱۴-۲-۲) تعریف چهاردهم: چامسکی
۸۵		۱۵-۲-۲) تعریف پانزدهم: الشتین
۸۵		۱۶-۲-۲) تعریف شانزدهم: استریا
۸۵		۱۷-۲-۲) تعریف هفدهم: ریچاردسن
۸۶		۱۸-۲-۲) تعریف هجدهم: چسدی
۸۶		۱۹-۲-۲) تعریف نوزدهم: هندریچ
۸۷		۲۰-۲-۲) تعریف بیستم: فوشن
۸۷		۲۱-۲-۲) تعریف بیست و یکم: کدی
۸۷		۲۲-۲-۲) تعریف بیست و دوم: ناروسن
۸۷		۲۳-۲-۲) تعریف بیست و سوم: دیوِست، هوتن و یولارد
۸۷		۲۴-۲-۲) تعریف بیست و چهارم: کرلت
۸۸		۲۵-۲-۲) تعریف بیست و پنجم: پی‌یر
۸۸		۲۶-۲-۲) تعریف بیست و ششم: پری‌موراتز
۸۹		۲۷-۲-۲) تعریف بیست و هفتم: ویلکینسن
۸۹		۲۸-۲-۲) تعریف بیست و هشتم: هلد
۸۹		۲۹-۲-۲) تعریف بیست و نهم: والزر
۹۰		۳۰-۲-۲) تعریف سیام: بویل
۹۰		۳۱-۲-۲) تعریف سی و یکم: ریلی

۹۰		۲-۲-۳۲) تعریف سی و دوم: چالک
۹۱		۲-۲-۳۳) تعریف سی و سهام: مراری
۹۱		۲-۲-۳۴) تعریف سی و چهارم: کامیز
۹۱		۲-۲-۳۵) تعریف سی و پنجم: کری لنستن
۹۲		۲-۲-۳۶) تعریف سی و ششم: سمپین
۹۲		۲-۲-۳۷) تعریف سی و هفتم: ناتو
۹۲		۲-۲-۳۸) تعریف سی و هشتم: وزارت خارجه ایالات متحده
۹۲		۲-۲-۳۹) تعریف سی و نهم: اتحادیه اروپا
۹۲		۲-۲-۴۰) تعریف چهلیم: پیمان همکاری بین اعضای کشورهای مستقل مشترک المنافع در مبارزه با تروریسم
۹۶		۲-۳) تروریسم دولت
۹۹		۲-۴) علل ریشه‌ای تروریسم
۱۰۰		۲-۴-۱) منابع تروریسم از منظر داری کی: کرونن
۱۰۲		۲-۴-۱-۱) سطح اول: نقش فرد
۱۰۴		۲-۴-۱-۲) سطح دوم: نقش گروه یا سازمان
۱۰۶		۲-۴-۱-۳) سطح سوم: نقش دولت
۱۰۸		۲-۴-۱-۴) سطح چهارم: نظام بین الملل
۱۰۸		۲-۴-۲) علل ریشه‌ای تروریسم از منظر ۲۰۰۰
۱۱۰		
۱۱۱		۲-۴-۱) عوامل روانی
۱۱۱		۲-۴-۲) عوامل سیاسی
۱۱۳		۲-۴-۳) عوامل اقتصادی
۱۱۵		۲-۴-۴) عوامل مذهبی
۱۱۶		۲-۴-۵) عوامل فرهنگی
۱۱۷		۲-۴-۳) علل ریشه‌ای تروریسم از منظر برین یار لیا
۱۱۸		۲-۴-۱) تبیین‌های روانی تروریسم
۱۲۰		۲-۴-۲) تبیین‌های اجتماعی تروریسم
۱۲۲		۲-۴-۳) تبیین‌های مرتبط با نظام بین الملل از تروریسم
۱۲۴		۲-۵) اهداف تروریسم

فصل سوم

۱۲۵		تروریسم معاصر
-----	-------	---------------

۱۲۵	۱-۳) چکیده.....
۱۲۵	۲-۳) چهار موج تروریسم مدرن از منظر راپاپورت.....
۱۲۶	۱-۲-۳) موج اول: آنا رشیست‌ها.....
۱۲۸	۲-۲-۳) موج دوم: ضد استعماری.....
۱۳۰	۳-۲-۳) موج سوم: چپ جدید.....
۱۳۲	۴-۲-۳) موج چهارم: مذهبی‌ها.....
۱۳۵	۳-۳) چهار مشخصه تروریسم معاصر از منظر کرچلس.....
۱۳۶	۴-۳) دلایل رد عنوان «تروریسم جدید» از منظر دویوشتین و مالکی.....
۱۳۷	۱-۴-۳) دلایلی در رد تفاوت سازمان تروریسم جدید و قدیم.....
۱۳۹	۲-۴-۳) دلایلی در رد تفاوت دامنه عمل تروریسم جدید و قدیم.....
۱۴۱	۳-۴-۳) دلایلی در رد تفاوت اهداف تروریسم جدید و قدیم.....
۱۴۲	۴-۴-۳) دلایلی در رد تفاوت پرسش‌های تروریسم جدید و قدیم.....
۱۴۳	۵-۴-۳) دلایلی در رد تفاوت ابزارهای تروریسم جدید و قدیم.....
۱۴۵	۵-۳) تروریسم معاصر و رسانه.....
۱۴۹	۶-۳) تروریسم جهادی.....
۱۴۹	۱-۶-۳) فهم جهاد توسط غربی‌ها.....
۱۵۱	۲-۶-۳) ریشه‌ها و ابعاد تفکر سلفی.....
۱۵۵	۳-۶-۳) تقسیم‌بندی جریان‌ات سلفی.....
۱۵۵	۱-۳-۶-۳) تقسیم‌بندی اول.....
۱۵۵	۱-۱-۳-۶-۳) وهابیت تکفیری.....
۱۵۶	۲-۱-۳-۶-۳) سلفی دیوبندی.....
۱۵۷	۳-۱-۳-۶-۳) سلفی تکفیری- جهادی.....
۱۵۸	۴-۱-۳-۶-۳) جریان نوسلفی.....
۱۵۹	۲-۳-۶-۳) تقسیم‌بندی دوم.....
۱۶۰	۱-۲-۳-۶-۳) سلفی‌گری تکفیری.....
۱۶۰	۲-۲-۳-۶-۳) سلفی‌گری جهادی.....
۱۶۲	۳-۲-۳-۶-۳) سلفی‌گری تبلیغی.....
۱۶۳	۴-۲-۳-۶-۳) سلفی‌گری سیاسی.....
۱۶۳	۲-۳-۶-۳) تقسیم‌بندی سوم.....
۱۶۵	۱-۶-۳) عدم جواز و حرمت شرعی ترور در اسلام ناب محمدی (ص) و سیره ائمه اطهار (ع).....
۱۶۸	۱-۱-۶-۳) قرآن مجید.....

۱۶۹	 سیره نبی مکرم اسلام (ص)..... (۲-۱-۶-۳)
۱۷۰	 سیره ائمه اطهار (ع)..... (۳-۱-۶-۳)
..... (۴-۱-۶-۳)	اشاره به پنج مورد از استثنائات تجویز قتل برخی از افراد خاص توسط نبی مکرم اسلام (ص) و
۱۷۲	 ائمه اطهار (ع) و دلایل آن..... (ع)
۱۷۷	 تروریسم معاصر و زنان..... (۷-۳)
۱۸۲	 روایت تهدید وجودی تروریسم معاصر از منظر «جسیکا ولفندل»..... (۸-۳)
۱۸۵	 هفت نکته پیرامون تروریسم معاصر..... (۹-۳)
۱۸۶	 «بدون وطن» بودن تروریسم معاصر..... (۱-۹-۳)
۱۸۹	 تشابه تروریسم معاصر با پدیده‌های دیگر..... (۲-۹-۳)
۱۹۰	 مناطق ادبی درگیر تروریسم معاصر..... (۳-۹-۳)
۱۹۱	 فرهنگ و ذنیت تروریست‌های معاصر..... (۴-۹-۳)
۱۹۲	 عینی، ذهنی یا بیناذهنی بودن تهدید تروریسم معاصر..... (۵-۹-۳)
۱۹۴	 مولفه اصلی تروریسم معاصر..... (۶-۹-۳)
۱۹۴	 ماهیت گفتمانی تروریسم معاصر..... (۷-۹-۳)

فصل چهارم

۱۹۷	 ضدتروریسم..... (۱-۴)
۱۹۷	 چکیده..... (۱-۴)
۱۹۷	 ضدتروریسم چیست..... (۲-۴)
۱۹۹	 ابزارهای ضدتروریسم..... (۳-۴)
۲۰۰	 تمهیدات ضدتروریستی از منظر گانور..... (۱-۳-۴)
۲۰۲	 تمهیدات ضدتروریستی از منظر پیلار..... (۲-۳-۴)
۲۰۳	 تمهیدات امنیتی تدافعی..... (۱-۲-۳-۴)
۲۰۶	 تمهیدات تهاجمی..... (۲-۲-۳-۴)
۲۰۶	 اطلاعات..... (۱-۲-۲-۳-۴)
۲۱۹	 نیروی نظامی..... (۲-۲-۲-۳-۴)
۲۲۹	 اعمال قانون..... (۳-۲-۲-۳-۴)
۲۳۲	 دیپلماسی..... (۴-۲-۲-۳-۴)
۲۳۳	 کنترل مالی..... (۵-۲-۲-۳-۴)
۲۳۵	 اولویت تمهیدات ضدتروریستی از منظر متخصصان..... (۴-۴)
۲۳۷	 بررسی مفهوم «مراقبت جمعی» در ضدتروریسم..... (۱-۴-۴)
۲۴۵	 ۱۲ قانون پیش‌گیری و مبارزه با تروریسم از منظر اشمید..... (۵-۴)

فصل پنجم

امنیتی کردن «تهدید»های تروریستی [غیرواقعی یا واقعی] گروه های اسلام گرا توسط رؤسای جمهور ایالات متحده.....	۲۴۷
۵-۱) چکیده.....	۲۴۷
۵-۲) بررسی کنش گفتاری امنیتی کردن «تهدید»های تروریستی [غیرواقعی یا واقعی] گروه های اسلام گرا توسط رؤسای جمهور ایالات متحده.....	۲۴۸
۵-۳) اجزای نظریه امنیتی کردن از منظر مکتب کپنهاگ.....	۲۵۰
۵-۳-۱) ابعاد کلی نظریه امنیتی کردن.....	۲۵۱
۵-۳-۲) ایشورمدان الهام بخش ویور در طرح نظریه امنیتی کردن.....	۲۵۶
۵-۳-۳-۱) جان آل. آسپیر.....	۲۵۶
۵-۳-۳-۲) ژاک در دا.....	۲۶۱
۵-۳-۳-۳) کارل اشمیت.....	۲۶۳
۵-۳-۳-۴) کنت والتز.....	۲۶۹
۵-۳-۳) اجزای اصلی نظریه امنیتی کردن از منظر مکتب کپنهاگ.....	۲۷۰
۵-۳-۳-۱) شرایط تسهیل کننده.....	۲۷۰
۵-۳-۳-۲) واحدهای تحلیل امنیت.....	۲۷۱
۵-۳-۳-۳) مراجع امنیت.....	۲۷۱
۵-۳-۳-۴) بازیگران امنیتی کننده.....	۲۷۱
۵-۳-۳-۵) بازیگران کارکردی.....	۲۷۱
۵-۳-۴) پنج نکته مهم درباره «امنیتی کردن» از منظر مکتب «پاریس».....	۲۷۲
۵-۴) بررسی روند امنیتی کردن تهدیدهای تروریستی [غیرواقعی یا واقعی] گروه های اسلام گرا توسط رؤسای جمهور ایالات متحده.....	۲۷۷
۴-۱) جورج دابلویو. بوش.....	۲۷۸
۴-۲) باراک حسین اوباما.....	۲۸۳
۴-۳) دانیل جی. ترامپ.....	۲۸۷
منابع.....	۲۹۳

مقدمه

تروریسم یکی از مسایل مبتلا به بشر در قرن بیست و یکم می‌باشد. شاید آن گونه که «برین اسمیت، گانینگ، جکسن، کاسیمرس و رابینسن» عنوان می‌دارند که «تروریسم به یکی از قدرت‌مندترین دال‌ها در گفتمان معاصر^۱ تبدیل شده است.» (Breen Smyth, Gunning, Jackson, Kassimeris & Robinson, 2008, p. 2)

این اهمیت کم‌نظیر موجب گردیده که امروزه رشته مجزایی تحت عنوان «مطالعات تروریسم» با کاروردهای تحقیقی و پژوهش پیرامون «تروریسم» نضج گیرد. «کریستوفر بیکر-بیل» معتقد است که رشد مطالعات تروریسم به عنوان یک حوزه متمایز پژوهشی به اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. معانی که مطالعات تروریسم در ابتدا به عنوان یک زیرحوزه مجزا از ضدشورش [یا ضد بغیر] و مطالعات امنیتی راست‌گیشانه^۲ ظاهر شد و عمدتاً به واسطه مشارکت گروه کوچکی از متخصصان تروریسم^۳ مانند مارتا کرنشا، بروس هافمن، برایان جنکینز و والتر لاکوئر^۴ توسعه یافت. (Baker-Beall, 2012, p. 28)

«ریچارد جکسن» پیرامون «مطالعات تروریسم» متذکر می‌گردد که «همانند هر حوزه آکادمیک، مطالعات تروریسم در بخش عمده‌ای به واسطه مجموعه‌ای مشخص و نسبتاً هم‌سان از مفروضات، روایات و برجسب‌های مشترک در مورد موضوع اصلی آن - مجموعه‌ای به صورت وسیع و گسترده پذیرفته شده از «شناخت» درباره تعریف، ماهیت، انگیزات، تهدیدها، علل و واکنش به پدیده‌ای به نام «تروریسم» - و همچنین مجموعه‌ای پذیرفته شده از رویه‌های ایجاد شناخت ایجاد شده است. این روایت‌ها، مفروضات و رویه‌های ایجاد شناخت که در راستای تعریف رویکردهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و اخلاقی-هنجاری حوزه مطالعات تروریسم عمل می‌نمایند، می‌توانند در بسیاری از تولیدات پژوهشی اصلی حوزه، مخصوصاً توسط محققان برجسته آن دیده شوند.» (Jackson, 2009, p. 66)

1. most powerful signifiers in contemporary discourse

2. a separate sub-field of counterinsurgency and orthodox security studies

3. Martha Crenshaw, Bruce Hoffman, Brian Jenkins and Walter Laqueur

از این رو کتاب حاضر پیش از ورود به موضوع «تروریسم» به معرفی رشته «مطالعات تروریسم» می‌پردازد. این کار حداقل از دو جهت مفید می‌باشد.

اول آن که نظیر تمامی رشته‌های دیگر، «مطالعات تروریسم» دارای رویکردهای فرائظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی) مختلف می‌باشد که موجب می‌گردد تعاریف متفاوتی از مفهوم «تروریسم» ارائه گردد. تعاریفی که بعضاً متضاد می‌باشند و هر رویکرد فرائظری «شناخت» متفاوتی از مفهوم «تروریسم» به‌دست می‌دهد. عدم توجه به این مبحث موجب می‌گردد که نظیر بسیاری از کتب منتشره در حوزه «تروریسم» که محققان صرفاً با رویکرد اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) وارد بحث می‌گردند و به تعریف مفهوم «تروریسم»، علل و انگیزه‌های تروریست‌ها، اهداف آن‌ها و ... می‌پردازند، این کتاب نیز با دیدی تک‌سو نگرانه و از منظر «جریان اصلی»^۱ با پدیده «تروریسم» بنگرد.

ذکر یک نمونه به بهم مطالب کمک می‌نماید. «الکس پی. اشمید»، به‌عنوان یک محقق اثبات‌گرای متعلق به «جریان اصلی»^۲ در رویکردی مبتنی بر «حل مشکل»^۳ معتقد است که جنگ [توسط کارل فون کلازویتز]^۴ اساساً سیاست لکن با ابزار دیگر تعریف گردیده است و تروریسم نیز گاهی اوقات به‌عنوان ادامه‌ی این شناخته می‌شود. (Schmid, 2004, p. 202) در مقابل «راجر مک‌گینتی»، به‌عنوان یک محقق «انتقادی»^۵ اساساً پرداختن به پدیده‌ای به‌نام «تروریسم» را نادرست دانسته و عنوان می‌دارد که ساختارها، نامی‌ها و دارت‌ویدر [شخصیتی داستانی در مجموعه تخیلی جنگ ستارگان]^۶ وجود دارند. گرچه این موضوع موجب نگردیده که میلیون‌ها کلمه در مورد آن‌ها گفته نشود و فیلم، اسباب‌بازی و اقلام فرهنگی مرتبط با آن‌ها ساخته نشود. «تروریسم» نیز نظیر این شخصیت‌های تخیلی وجود ندارد. این موضوع به-معنای نفی اعمال خشونت‌آمیزی که بازیگران دولتی و غیر دولتی انجام می‌دهند و موجب ایجاد وحشت می‌شوند، نیست، بلکه برجسته‌سازی گزینشی به این اقدامات زدن تحت عنوان «تروریسم»، شایستگی تحلیلی یا نظری مفهومی^۷ ندارد. (Mac Ginty, 2012, p. 39)

دوم آن که در میان خود محققان «جریان اصلی» یا «انتقادی» در «مطالعات تروریسم» نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان نمونه محققان «جریان اصلی» تعاریف مختلف و متفاوتی از مفهوم «تروریسم» ارائه داده‌اند که در این کتاب به چهل مورد از آن‌ها اشاره گردیده

1. problem-solving

2. Karl von Clausewitz

3. unicorns, zombies and Darth Vader

است. ورود مستقیم به موضوع «تروریسم»، قبل از شناخت حوزه «مطالعات تروریسم» موجب می‌گردد که درک درستی از این پراکندگی و تنوع ایجاد نگردد. امروزه «تروریسم» نظیر بسیاری از مفاهیم دیگر نظیر «امنیت» پدیده‌ای چند بعدی می‌باشد. شاید یکی از مناسب‌ترین تعبیر موجود درباره «تروریسم» را «کریستوفر بیکر-بیل» ارائه می‌دهد، آن‌جا که وی عنوان می‌دارد یکی از اشتراکات اصلی در میان محققان مطالعات انتقادی تروریسم (CTS)^۱ آن است که تروریسم، مانند امنیت، می‌تواند به‌عنوان یک مفهوم اشتقاقی [یا اقتباسی]^۲ فهمیده شود. (Baker-Beall, 2012, p. 29) به عبارت دیگر شیوه اندیشیدن ما درباره تروریسم (یا امنیت)، از شیوه اندیشیدن ما درباره جهان مشتق می‌شود.

ذکر یک مثال دیگر به منظور فهم این که چرا از منظر «بیکر-بیل»، تروریسم نظیر امنیت یک مفهوم اشتقاقی [یا اقتباسی] می‌باشد، مفید است. ابتدا لازم است که به تعاریف مختلفی که از مفهوم «امنیت» ارائه گردیده، توجه نمائیم:

در مطالعات امنیتی... امنیت یک جستجوی ضروری برای بقا^۳ می‌باشد. (Aradau & van Munster, 2010, p. 73) امنیت به خاصی از سیاست - نوعی از جنس کلی سیاست - می‌باشد.^۴ (Młodziej, 2005, p. 22) امنیت یک مفهوم اشتقاقی [یا اقتباسی]^۵ است. (Bilgin, 2008, p. 90) امنیت به‌عنوان یک تکنیک [یا فن] کنترل خطرات^۶ دیده می‌شود. (Huysmans, 2006, p. 9) امنیت یک کنش سیاسی^۷ است. امنیت، پاره‌گفتاری است که خودش یک کنش است. (Wæver, 1995, p. 55) امنیت، یک پی‌پدیدار به‌صورت بیناذهنی ایجاد شده می‌باشد.^۸ (Booth, 1997, p. 106) امنیت یک فناوری اجتماع است که مرزهای درون و برون‌گذاری را تنظیم می‌کند.^۹ (Goede, 2010, p. 108) و فلسفه...^{۱۰}

حال این تعاریف را در کنار تعاریف مختلفی که از مفهوم «تروریسم» ارائه گردیده قرار می‌دهیم تا بفهمیم که چرا «تروریسم» نظیر امنیت یک مفهوم اشتقاقی [یا اقتباسی] می‌باشد:

1. Critical Terrorism Studies (CTS)
2. a derivative concept
3. a necessary quest for survival
4. Security is a special form of politics – a species of the more general genus of politics.
5. security is a 'derivative concept'
6. security as a technique of governing danger
7. speech act
8. an epiphenomenon intersubjectively created
9. a technology of community regulating the boundaries of in- and exclusion

تروریسم مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها و نوعی از جنگیدن^۱ است. (Neumann & Smith, 2008, p. 14) ترور نه یک اعتقاد^۲ که یک استراتژی است. تروریسم یک پدیده منسجم تک‌علیتی^۳ نیست. (Tilly, 2004, pp. 11-12) تروریسم یک سیاست ارباب اجبارآمیز^۴ می‌باشد. (Fotion, 2004, p. 44) تروریسم یک جرم سیاسی^۵ است. (Devost, Houghton & Pollard, 1997, p. 77) تروریسم یک وسیله است، نه یک هدف^۶. (Merari, 1999, p. 59) تروریسم یک کنش ارتباطی^۷ است. (Seib & Janbek, 2011, p. 1) تروریسم تلفیقی از جنگ و صحنه [تئاتر]^۸ است. (Combs, 2000, p. 8) تروریسم واکنشی به زمینه سیاسی، اقتصادی و تاریخی خاصی است که تروریست‌های بالقوه در آن قرار دارند. (Cronin, 2004, p. 30) برجسب «تروریسم» در عمل همواره یک اصطلاح تحقیرکننده^۹ و نه تحلیلی بوده است و استفاده از اصطلاح «تروریست»، یک تحلیل بدبینانه از برجسب‌زنی می‌باشد. (Jackson, 2007, p. 247) از منظر «پسا مدرنیست‌ها» تروریسم امری صرفاً «ذهنی»^{۱۱} است. (Wilkinson, 2006, p. 1)

ملاحظه می‌گردد که آثار مفهومی «امنیت»، شیوه اندیشیدن ما درباره «تروریسم»، از شیوه اندیشیدن ما درباره جهان مشق می‌شود. بنابراین شناخت حوزه «مطالعات تروریسم» پیش از ورود به مبحث «تروریسم» این فایده‌مندی را دارد که محقق را با تنوع دیدگاه‌ها و تفکرات آشنا می‌سازد. به‌عنوان مثال پس از آشنایی رویکردهای فرانظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی) مختلف در حوزه «مطالعات تروریسم»، محقق متوجه می‌گردد که چرا تعریف «جکسن» از تروریسم که آن را صرفاً یک برجسب می‌داند با تعریف «جکسن» از تروریسم که تروریسم را یک روش مبارزه^{۱۲} در نظر می‌گیرد، (Jackson, 1990, p. 402) متفاوت است و محقق بلافاصله تشخیص می‌دهد که علی‌رغم تشابهات اسمی، «جکسن» اول دارای نگاه انتقادی و «جکسن» دوم اندیشمندی در جریان اصلی مطالعات تروریسم (و بنابراین اثبات‌گرا) می‌باشد.

1. a set of tactics, a form of fighting
2. creed
3. a single causally coherent phenomenon
4. a policy of coercive intimidation
5. a political crime
6. Terrorism is a means, not a goal
7. communicative act
8. a synthesis of war and theatre
9. a pejorative term
10. post-modernists
11. subjective
12. Terrorism is a means of fighting